

تجدد و کشف حجاب

<"xml encoding="UTF-8?">

حجاب از ضروریات اسلام است. فقهای شیعی، بلکه همه علمای دین از صدر اسلام تاکنون با توجه به دلایل نقلی (آیات و روایات) و عقلی، به وجوب حجاب حکم کرده و آن را از احکام مسلم و ضروری اسلام دانسته اند. و در تشریح دلیل ها و حکمت آن رساله ها و کتاب های فراوانی نگاشته اند.

بر خلاف پندار، برخی از روشنفکران سکولار، حجاب در ایران باستان و دیگر ملل گوناگون جهان، پیش از اسلام، نیز وجود داشته است. به گفته «ویل دورانت» حجابی که در میان قوم یهود وجود داشته خیلی سخت تر از اسلام بوده است. در میان قوم یهود اگر زنی به نقض قانون می پرداخت و یا با مردان نامحرم به گفتگو می نشست و یا در خانه خود صدایش را به قدری بلند می کرد که همسایگان می توانستند آن را بشنوند، مرد حق داشت بدون مهریه او را طلاق دهد. در بیشتر تصاویر مذهبی یهودی و مسیحی زنان دارای روسری و یا پوشش بلندی که شباهت به چادر دارد بوده اند. به اعتقاد «سن پل» یکی از قدیسیان کلیسا سر زن نباید بدون روسری باشد.

در ایران باستان نیز زنان دارای حجاب بوده اند. آنان جز باز گذاشتن دو دست، باز گذاشتن هر یک از قسمت های بدن را خلاف ادب می دانستند. آنان برای پوشیدن سر از سربندی که در زیر چانه به وسیله دو بست محکم می شد استفاده می کردند. روی این سربند نیز یک روسری بزرگ به نام «مکنو» می پوشیدند. پوشاندن موی سر طبق آئین باستان معمول بود. البته در اواخر سلسله ساسانیان به علت هرزگی و عیاشی خانواده سلطنتی و آلودگی موبدان و زوال دین زرتشتی پوشش زنان تنها پوشیدگی نبود بلکه نوعی مخفی کردن آنان از طمع شاهزادگان و مردان صاحب قدرت محسوب می شد. بنابراین، اگر ویل دورانت می گوید: در ایران باستان معمولاً زنان در اندرون خانه نگهداری می شدند و حق معاشرت با دیگران را نداشته اند؛ و اگر «کنت دوگوبینو»، نیز در کتاب سه سال در ایران، می گوید آنچه در زمان ساسانیان بوده تنها پوشیدگی زن نبوده بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده علت خاصی داشته است که بدان اشاره کردیم.

پس از پذیرش اسلام از سوی ایرانیان، پوشش زنان ایرانی شباهت به لباس های عربی پیدا کرد ضمن آنکه سر نیز پوشیده می شد.

در روزگار صفویه، هنگام خروج از خانه پوشش همگانی زنان چادر سفیدی بود که سر تا پای آنان به جز دو چشم را مستور می داشت. در دوران زندیه و قاجاریه چادر، حجاب رسمی به شمار می آمد. صورت را نیز با روبندی از چلوار کلفت می پوشاندند. نقاب نیز، یکی از پوشش های چهره بود و از مو ساخته می شد. از زمان ناصرالدین شاه در پی سفرهای او به فرنگ تغییراتی در نوع پوشش زنان درباری به وجود آمد و شلیته های دامن کوتاه متداول شد و با رفت و آمد فرنگیان به ایران و برخی از ایرانیان به فرنگ، بدحجابی در میان برخی از خانواده های اشراف و فرنگ رفته کم و بیش دیده می شود. در روزگار مشروطیت روشنفکران غرب زده با الگوگیری از غرب، بحث بی حجابی را طرح کردند و حجاب را مخالف تمدن و تجدد شمردند.

بر خلاف پندار، برخی از روشنفکران سکولار، حجاب در ایران باستان و دیگر ملل گوناگون جهان، پیش از اسلام، نیز وجود داشته است. به گفته «ویل دورانت» حجابی که در میان قوم یهود وجود داشته خیلی سخت تر از اسلام بوده است. در میان قوم یهود اگر زنی به نقض قانون می پرداخت و یا با مردان نامحرم به گفتگو می نشست و یا

در خانه خود صدایش را به قدری بلند می کرد که همسایگان می توانستند آن را بشنوند، مرد حق داشت بدون مهریه او را طلاق دهد.

در ایران باستان نیز زنان دارای حجاب بوده اند. آنان جز باز گذاشتن دو دست، باز گذاشتن هر یک از قسمت های بدن را خلاف ادب می دانستند. آنان برای پوشیدن سر از سربندی که در زیر چانه به وسیله دو بست محکم می شد استفاده می کردند. روی این سربند نیز یک روسری بزرگ به نام «مکنو» می پوشیدند. پوشاندن موی سر طبق آئین باستان معمول بود.

با رفت و آمد بیشتر ایرانیان به فرنگ و ورود لباس های متنوع غربی و خیاطان و طراحان اروپایی به ویژه فرانسوی به تهران کم کم سبک پوشش مردان و زنان تغییر کرد و با فضا سازی و تبلیغ ازسوی غرب زدگان و تشویق آنان از سوی اربابان شان و ورود زن ها به اجتماع، رفع حجاب نیز مطرح شد. گروهی رشد و پیشرفت را مترادف با بی حجابی دانستند. در برابر آنان عالمان دین و برخی دیگر از روشنفکران اسلامی، طرح این گونه مسائل را مخالف اسلام و عامل خطرناکی برای جامعه اسلامی می دیده اند.

در تاریخ معاصر ایران قرة العین، وابسته به بابیه اولین زنی است که پوشش خود را برداشت و دیگران را نیز، به بی حجابی فراخواند.

تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه نیز، از نخستین زنانی بود که حجاب را کنار گذاشت. صدیقه دولت آبادی، نیز از پیشگامان رفع حجاب است. او هشت سال پیش از اعلام رسمی کشف حجاب با لباس اروپایی در خیابان ها ظاهر شد و به عنوان نخستین زنی که چادر از سر برداشته شهرت محله به محله و کوچه به کوچه یافت.

رضاشاه و کشف حجاب

تبلیغات در جهت نوگرایی و تجددطلبی با آغاز سلطنت رضاشاه بیش از گذشته شد و چون از حمایت دولت جدید نیز برخوردار بود صراحت و سرعت بیشتری به خود گرفت. روشنفکران سکولار با الگوگیری از رهبران فکری خود چون آقاخان کرمانی و ... وانمود می کردند که تجددطلبی از جمله بی حجابی با دین ناسازگار نیست. حتی روزنامه حبل المتین، علی(ع) را رئیس المتجددین نامید. این شیوه منافقانه که حتی به هنگام رسمیت یافتن کشف حجاب نیز به کار گرفته می شد بیانگر بیم و هراس گویندگان و نویسندگان غرب گرا از واکنش مردم مسلمان بود، چرا که پای بندی مردم به عقاید دینی و شعایر اسلامی بسیار شدید بود.

مقایسه اوضاع ایران با کشورهای همسایه مانند افغانستان از جمله کارهایی بود که در جهت تشویق مردم مسلمان ایران به تجدد و نوگرایی و فاصله گرفتن از اسلام و آموزه های آن انجام می گرفت.

تحولات و دگوگونی هایی که در زمینه غرب گرایی در ترکیه آتاترک صورت می گرفت و نیز اقدامات امان الله خان در افغانستان مورد توجه روشنفکران غرب زده ایرانی بود و گاه و بی گاه در مطبوعات انعکاس می یافت. حبل المتین، در یکی از شماره های خود با عنوان «تعلیم و تربیت نسوان افغان» تحولات افغانستان را یادآور شد و ملت متمدن ایران را کمتر از آنان در کسب تجدد ندانست.

تقلید از ترکیه و آتاترک که کشورش را در جهت خواسته های غربیان هدایت می کرد به شدت مورد توجه رجال ایران و رضاشاه قرار داشت.

لحن روزنامه ها نیز صراحت بیشتری یافت به گونه ای که روزنامه حبل المتین دلایلی را برای رفع حجاب در روزنامه خود آورد.

در این زمان یعنی سال 1306 و 1307، در دربار از چادر نماز منع شد و حتی همسر رئیس الوزرای وقت، مخبرالسلطنه، هدایت، به سبب استفاده از چادر نماز مورد ایراد قرار گرفت به گونه ای که از رفتن به دربار خودداری کرد.

با ورود خانواده شاه به صورت بدحجاب به سال 1307، در حرم حضرت معصومه و حمایت رضاشاه از عمل خانواده اش و ضرب و شتم روحانی آمر به معروف و ناهی از منکر مرحوم شیخ محمدتقی بافقی مشخص شد که رژیم شاه مصمم به رفع حجاب و ترویج بی بند و باری است. و برای این کار حتی آمادگی رویارویی با حوزه را نیز دارد.

سفر رضاشاه به ترکیه

یکی از رویدادهایی که موجب تسریع در اعلام کشف حجاب از سوی رضاشاه شد سفر او به ترکیه بود. فروغی با آشنایی قبلی که با آتاترک داشت زمینه سفر شاه را به ترکیه فراهم کرد. هدف فروغی این بود که شاه از نزدیک با مظاهر تمدن اروپا که در ترکیه رواج پیدا کرده بود آشنا شود و سپس به عنوان سوغات در ایران پیاده کند. رضاشاه در تاریخ 12 خرداد 1313، عازم ترکیه شد. سفرش به ترکیه چهار روز طول کشید. آتاترک از او تجلیل شایسته ای به عمل آورد. رضاخان مجذوب سیاست های اسلام زدایی آتاترک در ترکیه شد و قول داد که همان سیاست را در ایران پیگیری کند. او در سخنان خود چنین گفت: به واسطه برداشتن خرافات مذهبی در مدت سلطنت من، هر دو ملت بعد از این، با یک روح صمیمیت متقابل دست در دست هم داده و منازل سعادت و ترقی را طی خواهند کرد.

رضاشاه در این مدت با همه زوایای غرب گرایی و شیوه زدودن ارزش های ملی و اسلامی رژیم آتاترک آشنا شد و وقتی به ایران بازگشت تصمیم گرفت که ایران را به پای ترکیه برساند. مخبرالسلطنه که از سال 1306 تا 22 شهریور 1312 به مدت شش سال نخست وزیر رضاشاه بود می نویسد:

«فکر تشبه به اروپا از آن (ترکیه) به سر پهلوی آمد.»

از زمان ناصرالدین شاه در پی سفرهای او به فرنگ تغییراتی در نوع پوشش زنان درباری به وجود آمد و شلیته های دامن کوتاه متداول شد و با رفت و آمد فرنگیان به ایران و برخی از ایرانیان به فرنگ، بدحجابی در میان برخی از خانواده های اشراف و فرنگ رفته کم و بیش دیده می شود. در روزگار مشروطیت روشنفکران غرب زده با الگوگیری از غرب، بحث بی حجابی را طرح کردند و حجاب را مخالف تمدن و تجدد شمردند.

روشنفکران سکولار با الگوگیری از رهبران فکری خود چون آقاخان کرمانی و ... وانمود می کردند که تجددطلبی از جمله بی حجابی با دین ناسازگار نیست. حتی روزنامه حبل المتین، علی(ع) را رئیس المتجددین نامید. این شیوه منافقانه که حتی به هنگام رسمیت یافتن کشف حجاب نیز به کار گرفته می شد بیانگر بیم و هراس گویندگان و نویسندگان غرب گرا از واکنش مردم مسلمان بود، چرا که پای بندی مردم به عقاید دینی و شعار اسلامی بسیار شدید بود.

به هنگام حضور شاه در ترکیه، او از مدرسه ای دخترانه در آنکارا به نام عصمت پاشا دیدن کرد. در آن مدرسه، دختران بی حجاب هنگام ورود شاه با کف زدن های ممتد، مقدم او را گرامی داشتند. رضاشاه پس از این دیدار به سفیر کبیر ایران، مستشارالدوله صادق می گوید: هنوز عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم. تأثیر این مسافرت بر رضاشاه چنان مهم است که روزنامه رستاخیز در مقاله ای به

مناسبت سالگرد کشف حجاب، ابتدای کشف حجاب را سال 1313، می داند سالی که رضاشاه به دعوت آتاتورک به ترکیه رفت.

صدراالاشراف نیز می نویسد:

«رضاشاه پس از مسافرت به ترکیه در اغلب اوقات ضمن اشاره به پیشرفت سریع ترکیه از رفع حجاب زن ها و آزادی آنها صحبت و تشویق می کرد.»

گسترش مدارس دخترانه به شیوه اروپایی

گسترش مدارس دخترانه به شیوه اروپایی یکی دیگر از عوامل زمینه ساز کشف حجاب بود. این مدارس نخست به وسیله مبلغان مسیحی پایه گذاری شد و بعدها به وسیله برخی از بانوان غرب گرا و متجدد گسترش یافت. نصیرالدوله وزیر معارف کابینه وثوق الدوله به تأسیس یک دارالمعلمات و ده دبستان دخترانه اقدام کرد.

تا پیش از 1307، فارغ التحصیلان این مدارس تنها در مقطع ابتدایی بودند. اما در سال 1307 شمار فارغ التحصیلان نخستین مدارس دوره متوسطه دخترانه به 40 نفر و تا سال 1312 بیش از 235 نفر شد. در سال 1309 گروهی از دختران کارگزاران حکومتی برای تکمیل تحصیلات خود به پاریس رفتند. با بازگشت آنها دولت تصمیم گرفت که کشف حجاب را از مدارس آغاز کند. و سپس در دبستان ها و مدارس دخترانه مأمورین دولتی، مجامعی را با خانواده های خود برپا کرده و کشف حجاب را در این مجالس مطرح کنند تا آرام آرام زمینه عمومی فراهم شود. همچنین مقرر شد که مدارس ابتدایی تا سال چهارم مختلط باشد؛ معلم آنها نیز زن باشد تا از همان ابتدا بی حجابی را به آنان بیاموزند. در این میان نقش دانشسراهای مقدماتی را نباید نادیده گرفت. این مراکز که تربیت کنندگان معلمان و مربیان بودند کشف حجاب را به عنوان یک فرهنگ به دانش آموزان می آموختند. در بسیاری از موارد از این مراکز به عنوان مجالس جشن و خطابه در نکوهش حجاب و ستایش از بی حجابی استفاده می شد و دختران نیز با سرودهای مخصوص و حرکات ورزشی به این مجالس رونق می دادند از جمله در مجلس جشنی که در شیراز برپا شد دختران صف منظمی آراسته، لایحه خواندند و سرود سراییدند و سپس به ورزش در حضور وزیر معارف، علی اصغر حکمت پرداختند.

کوتاه سخن اینکه، این مدارس، مقدمات اعلام رسمی کشف حجاب را کاملاً مهیا ساختند و پس از اعلام رسمی آن نیز در جهت پیشبرد و گسترش آن نیز تلاش های گسترده یی انجام دادند.

کنگره زنان شرق ایران

برای آشنایی زنان ایرانی با تمدن غربی و تشویق به اخذ آن، دومین کنگره شرق به سال 1312، با اجازه رضاشاه در تهران در برگزار شد. حاضران در این جلسه هنوز همه با چادر بودند. سخنرانان در این مجلس بر عقب ماندگی زنان شرق در برابر زنان غرب تأکید کرده و خواهان رسیدن به آن مرحله از ترقی و پیشرفت شدند. در این کنگره هر چند به قول مخبرالسلطنه «مقرراتی مسلم داشتند و تصدیق کردند که مقام زن در اسلام محفوظ تر و شکایات ابتر» ولی متأسفانه خانم ها پرده کنگره را دریدند و سراسیمه در میدان هوا و هوس دویدند؛ مسکری نماز که نخوردند و منکری نماز که نکردند.

پس از پایان کنگره کتابی به نام زن در اجتماع که به وسیله م - ه آموزگار نگاشته شد و به چاپ رسید. نویسنده در

این کتاب می نویسد:

به زودی وضع زنان ما رو به بهبودی خواهد گذاشت. او خوشحال است از اینکه چند تا زن تاکنون می توانند بدون حجاب از خانه خارج شوند و از این جهت از حکومت تشکر می کند. او در این کتاب می خواهد چنین القا کند که حجاب از تاریخ حمله مغول به ایران رواج پیدا کرده است و او حکومت را به حمایت از زنان بی حجاب که به ندرت در شهرهای بزرگ به چشم می خورند تشویق می کند. و حال آنکه حکومت از مدت ها پیش در پی آن بوده و کنگره شرق نیز برای همین جهت برپا شده بود.

تشکیل قانون بانوان

در سال 1314 به دستور رضاشاه و با حمایت وزیر فرهنگ، علی اصغر حکمت قانون بانوان تشکیل شد. شمس پهلوی به ریاست افتخاری و بانو هاجر تربیت به ریاست آن برگزیده شدند. خانم تربیت، در یکی از سخنرانی های خود که در دانشسرای مقدماتی برگزار شد حل همه مشکلات و بدبختی های زنان را در رفع حجاب دانست. بدرالملوک بامداد، در باره هدف اصلی قانون بانوان می نویسد:

«ضمن سایر اقدامات منظور اصلی یعنی ترک چادر سیاه متدرجا پیشرفت می کرد. به این طریق که زنان عضو جمعیت، با راضی کردن خانواده های خود یکی یکی به برداشتن چادر مبادرت می کردند و در مجالس سخنرانی، سایر بانوان را تشویق به ترک کفن سیاه می کردند. به طوری که در هر نوبت از مجالس و اجتماعات قانون عده تازه ای از بانوان بدون چادر حضور می یافتند در صورتی که زنان فرهنگی در صف مقدم آنها بودند.»

در جلسات قانون بانوان که بیشتر در حضور دختران رضاشاه (شمس و اشرف) تشکیل می شد، مشکلات مربوط به عدم پذیرش جامعه در ترک حجاب مورد بررسی قرار می گرفت و تصمیمات لازم اتخاذ می شد. این قانون بعدها در شهرهای مهم کشور از جمله اصفهان دارای شعبه گردید تا به پندار دست اندرکاران کشف حجاب، زنان را با اصول ترقی و مدنیت غربی آشنا سازند.

افزون بر عوامل یاد شده، روزنامه ها و مجله های زنانه از جمله زبان زنان به مدیریت صدیقه دولت آبادی در اصفهان و تهران، نامه بانوان به مدیریت شهناز آزاد و مجله جهان زنان، به سردبیری فخر آفاق پارسا در مشهد و سپس تهران و مهم تر از همه مجله «عالم نسوان» به مدیریت نوابه صفوی و ... از عوامل زمینه ساز کشف حجاب بودند.

این مراکز که تربیت کنندگان معلمان و مربیان بودند کشف حجاب را به عنوان یک فرهنگ به دانش آموزان می آموختند. در بسیاری از موارد از این مراکز به عنوان مجالس جشن و خطابه در نکوهش حجاب و ستایش از بی حجابی استفاده می شد و دختران نیز با سرودهای مخصوص و حرکات ورزشی به این مجالس رونق می دادند از جمله در مجلس جشنی که در شیراز برپا شد دختران صف منظمی آراسته، لایحه خواندند و سرود سراییدند و سپس به ورزش در حضور وزیر معارف، علی اصغر حکمت پرداختند.

در تهیه مقدمات جشن روز کشف حجاب، افزون بر کارهای امنیتی و آماده باش نیروها کارهایی انجام گرفته که سابقه ندارد و از باب نمونه سه مرد مسیحی که اداره نهضت شیک پوشی زن از حجاب در آمده به آنها محول شده بود کارهای زیادی برای خوب برگزار شدن مراسم انجام داده اند از جمله: بسیاری از خانم هایی که خود را برای جشن آماده می کردند به دست یکی از این سه نفر یعنی ابراهام، آرایشگر موهای خود را آرایش دادند. نیز حجاب را سد راه ترقی و پیشرفت معرفی کرده و به رفع حجاب تشویق می کردند.

یکی دیگر از عواملی که در گسترش بی حجابی نقش داشت حمایت رضاشاه از زنان بی حجاب بود. این نکته هم خواست دولتمردان داخلی بود و هم به گفته مخبرالسلطنه خواست دولت های خارجی. و بنا به گفته بدرالملوک بامداد رضاشاه پیش از اعلام رسمی کشف حجاب به پلیس دستور داده بود که از زنان بی حجاب حمایت کند.

بنا به اظهار دلی تلگراف، حضور تحصیل کردگان ایرانی در خیابان های تهران با زن های اروپایی خود که لباس اروپایی پوشیده بودند فوق العاده چشم گیر بود و همین عاملی شد که زنان متجدد و اشراف در معابر عمومی بتوانند از لباس های اروپایی و رفع حجاب استفاده کنند.

اعضای خانواده سلطنت نیز در این نمایش نقش اساسی داشتند شاهدخت و ماهدخت دختران بزرگ شاه به فرمان پدر چادر از سر برداشته و با همراهان سوار بر اسب در خیابان های تهران گردش می کردند.

از دیگر عواملی که در گسترش بی حجابی نقش داشت، آزادی اقلیت های مذهبی بود. زنان ارمنی و زرتشتی اجازه داشتند آزادانه لباس بپوشند. برابر گزارش نظمیه مازندران در خرداد 1309 رفت و آمد یک زن بی حجاب کلیمی معابر مورد اعتراض علما واقع شده بود. حکومت مازندران در این زمینه از عمل این زن پشتیبانی کرد و اعتراض علما را وارد ندانست و اعلام کرد که زنان کلیمی در کشف حجاب آزادند.

یکی از سفرنامه نویسان خارجی که در سال 1312 مشغول یادداشت مسائل مربوط به ایران بوده است می نویسد:

«می گویند: حدود دو سال پیش شاه دستور داده بود تمام کسانی که مایلند می توانند چادرشان را از سرشان بردارند. و نیز به گفته وی به گونه ای سرّی و محرمانه توافق شده بود که اگر زنی مایل باشد بدون چادر بیرون بیاید می تواند این کار را انجام دهد و اگر ملایی یا یک فرد عادی ایجاد مزاحمت کند شهربانی از این زنان حمایت می کند.

این برنامه ها برای آماده سازی افکار عمومی جهت تبدیل طرح کشف حجاب به یک قانون بود که در تاریخ 17 دی 1314 تصویب و به اجرا گذاشته شد. درست است که کشف حجاب اجباری در این زمان صورت گرفت ولی زمینه های آن از پیش فراهم شده بود. به گفته محمدرضا شاه:

«پدرم بدوا به رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریص وی در سال 1309 برای نخستین بار، بعضی از بانوان طبقه اول، در خانه های خود و در مجالس مهمانی، به لباس زنان اروپایی درآمدند و عده کمی هم جرئت کردند بدون حجاب در خیابان ها ظاهر شوند. در سال 1313، آموزگاران و دختران دانش آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند.»

اعلان رسمی کشف حجاب

همان گونه که آوردیم زمینه سازی کشف حجاب از پیش فراهم آمده بود ولی در روز 17 دی 1314 شمسی به صورت رسمی اعلام شد. نخست وزیر و وزیر معارف هر یک در خاطرات خود تلاش دارند که پیشنهاد 17 دی را برای کشف حجاب، به رضاشاه به خود نسبت دهند. به هر حال وزیر معارف می گوید: شاه گفته است وسیله ای فراهم آورید که من به اتفاق همسر و دخترهای خود بدون حجاب ظاهر شوم. نخست وزیر محمود جم می گوید من این پیشنهاد را به شاه کردم و او این پیشنهاد را پسندید و گفت: به شرط اینکه در هیئت وزرا مطرح و تصویب شود. سپس دستور داد که همین حالا بروید طرح آن را آماده کنید. این انقلاب بزرگ باید با فکر و تدبیر انجام

شود.

سخنان شاه بیانگر نگرانی او از انجام این کار است. جم نیز در خاطراتش از نگرانی خود و اعضای هیئت دولت، از واکنش افراد متدین در برابر این اقدام سخن گفته است. این نگرانی در جلسه ای که با حضور شاه تشکیل می شود اظهار می گردد. شاه ضمن تأیید آن حدود نیم ساعت صحبت کرده و از پیامدهایی که کشف حجاب در پیشرفت دارد سخن می گوید و ضمناً یادآور می شود ممکن است این عمل در ابتدا با سر و صدا و جار و جنجال زیادی همراه باشد، ولی به هر حال کاری است که باید انجام شود و ما نمی توانیم به خاطر تعصبات خشک، کاروان ترقیات مملکت را عقب نگه داریم. زن باید از این چادر سیاه آزاد شود وی سپس یادآور می شود که: شرکت همسر و دختران من در این جشن بدون حجاب، باید سرمشق همه زنان و دختران ایرانی خصوصاً خانم های شما وزرای مملکت باشد.

در تهیه مقدمات جشن روز کشف حجاب، افزون بر کارهای امنیتی و آماده باش نیروها کارهایی انجام گرفته که سابقه ندارد و از باب نمونه سه مرد مسیحی که اداره نهضت شیک پوشی زن همچنین در بخش دیگری از این گزارش آمده است: دو مرد سلمانی مردانه در یکی از اتاق های دانشسرای مقدماتی دست به کار فعالیت بودند، مو شانه می کردند، موهای اضافه را می زدند و سر خانم ها را چون تازه از زیر چادر بیرون آمده بود و جلوه ای نداشت، به سبک مردانه می آراستند. زنان بی حجاب مورد تعقیب پلیس قرار گرفتند و با خشونت هر چه تمام تر چادر از سر آنان کشیده شد. و نیز محدودیت هایی برای زن های با حجاب وضع شد از جمله: ممانعت از رفتن زن های با حجاب به حمام های عمومی، التزام از گاراژدارها و درشکه چی ها که زن های باحجاب را سوار نکنند. خادمان زیارتگاهها موظف شدند که از ورود زن های با حجاب جلوگیری کنند.

از حجاب در آمده به آنها محول شده بود کارهای زیادی برای خوب برگزار شدن مراسم انجام داده اند از جمله: بسیاری از خانم هایی که خود را برای جشن آماده می کردند به دست یکی از این سه نفر یعنی ابراهام، آرایشگر موهای خود را آرایش دادند. این شخص در گفتگویی با مجله زن روز می گوید: من موهای هزاران زن را قیچی کردم و چهره تازه ای به آنها دادم. این مجله در ادامه گزارش ضمن تقدیر از همکاری صمیمانه این سه مرد مسیحی می گوید: بدون شک، اگر این سه مرد مسیحی نبودند زن ایرانی نمی توانست یک شبه ره صد ساله را برود و از دنیای محدود قرون وسطایی زندگی خود به عرصه شیک پوشی سده بیستم قدم بگذارد.

همچنین در بخش دیگری از این گزارش آمده است: دو مرد سلمانی مردانه در یکی از اتاق های دانشسرای مقدماتی دست به کار فعالیت بودند، مو شانه می کردند، موهای اضافه را می زدند و سر خانم ها را چون تازه از زیر چادر بیرون آمده بود و جلوه ای نداشت، به سبک مردانه می آراستند.

در این روز دانشسرای مقدماتی شکل تازه ای به خود گرفته بود. محصلان و معلمان در صف های منظم و بدون حجاب ایستاده بودند که رضاشاه به اتفاق ملکه و دو دخترش که رفع حجاب کرده بودند و لباس اروپایی بر تن داشتند وارد شدند و ضمن اعطای دیپلم ها، به طور رسمی کشف حجاب را اعلام داشتند.

محمود جم در خاطرات خود نسبت به نظر رضاشاه نسبت به مراسم 17 دی چنین می نویسد:

«رضاشاه مرا احضار فرمودند و گفتند: لباس ها و آرایش خانم ها خوب است حیف نیست که زن ها خود را پنهان کنند.»

شرکت در این مراسم نیز اختیاری نبود. همه دختران باید شرکت می کردند لذا عده ای از آنان تا پایان مراسم رو به

دیوار ایستاده بودند و اشک می ریختند. ولی روزنامه های آن زمان از این روز به عنوان روز سرنوشت، روز تاریخی، روز فرخنده یاد کردند. مخبرالسلطنه سخن رضاشاه را که پس از اعلام کشف حجاب گفت: نصف قوای مملکت بیکار بود و به حساب نمی آمد و اینک داخل جماعت شده است. به نقد گرفته اشاره می کند که خانه دار بودند، به اقتصاد کشور کمک می کردند، به تربیت بچه های خود می پرداختند ولی حالا به عرصه ولننگاری قدم نهادند. رفع حجاب با زمینه هایی که از پیش انجام شد غیر منتظره نبود ولی منع حجاب غیر منتظره بود. به همین جهت، واکنش های گوناگونی را در پی داشت. عده ای آن روز را روز آزادی، ترقی و پیشرفت زن نام نهادند ولی تعداد اینان زیاد نبود. در برابر اکثریت مردم از زن و مرد از این روز به عنوان روز انحراف، اسارت زن، روز شکسته شدن حریم خانواده، روز طغیان علیه دین و دیانت و سنن ملی یاد کردند.

اقدامات دولت برای همگانی کردن کشف حجاب

پس از اعلام رسمیت کشف حجاب اقداماتی از سوی دولت صورت گرفت و دستورالعمل هایی به والیان و حاکمان استان ها و شهرها ابلاغ شد تا کشف حجاب تداوم یافته و گسترش یابد. ایجاد مراسم و جشن ها به مناسبت و بدون مناسبت در برنامه کاری والیان و حاکمان و مدارس و ... قرار گرفت. نخست از کارکنان دولت آغاز شد و سپس به دیگر اقشار نیز پرداخته شد. حاکمان برخی از شهرها به بهانه های گوناگون مجلس ترتیب می دادند و از مردم می خواستند که با بانوان خود بدون حجاب در این مراسم شرکت کنند. کارمندان دولت ملزم می شدند که همراه خانم هایشان بدون حجاب در خیابان ها قدم بزنند تا سرمشق دیگران باشند.

روزنامه ها، به نثر و شعر و طنز بی حجابی را تشویق و از حجاب و خانم های محجبه نکوهش می کردند. متأسفانه شاعری چون ملک الشعراء بهار که روزگاری مخالف سردار سپه بود به مدیحه سرایی این جریان پرداخت و اشعاری در ستایش کشف حجاب سرود. کوشش برخی از شاعران این بود که هر چه بدی و فسق و فجور است به حجاب و زن های با حجاب مربوط سازند و در برابر رفع حجاب را عفت و تقوا، خواست اسلام و ... معرفی کنند.

زنان بی حجاب مورد تعقیب پلیس قرار گرفتند و با خشونت هر چه تمام تر چادر از سر آنان کشیده شد. و نیز محدودیت هایی برای زن های با حجاب وضع شد از جمله: ممانعت از رفتن زن های با حجاب به حمام های عمومی، التزام از گاراژدارها و درشکه چی ها که زن های باحجاب را سوار نکنند. خادمان زیارتگاهها موظف شدند که از ورود زن های با حجاب جلوگیری کنند.

تعقیب زن های با حجاب در کوچه و خیابان ها و کشیدن چادر و روسری از سر آنها، برخورد شدید با عالمان دین و مخالفان کشف حجاب، کار هر روزه پاسبان ها بود. اسناد و مدارک فراوانی در باره برخورد با مخالفان حجاب از زن و مرد، روحانی و غیر روحانی و حتی کارمندان دولتی که مخالف کشف حجاب بودند موجود است.

عالمان دین و زن های مسلمانی که در برابر کشف حجاب مقاومت می کردند مخالف حضور زن در عرصه های سیاسی و اجتماعی نبودند. همان گونه که زنان در نهضت تنباکو، مشروطیت و بسیاری از نهضت های دیگر شرکت کردند نه تنها مورد اعتراض علمای دین قرار نگرفتند که تأیید نیز شدند. عالمان دین و همچنین زنان متدین بر این باور بودند که حضور زن در اجتماع باید همراه با حفظ شئون اسلامی انسانی و حفظ شخصیت و کرامت زن باشد. و نیز بر آن بودن که حضور زنان در مراکز علمی، و آموزشی، فرهنگی و بهداشتی و ... نه تنها مفید و سودمند که در برخی از موارد حتی واجب است و همه این کارها نیز می تواند با حفظ حجاب و عفاف انجام

گیرد.

تعقیب زن های با حجاب در کوچه و خیابان ها و کشیدن چادر و روسری از سر آنها، برخورد شدید با عالمان دین و مخالفان کشف حجاب، کار هر روزه پاسبان ها بود. اسناد و مدارک فراوانی در باره برخورد با مخالفان حجاب از زن و مرد، روحانی و غیر روحانی و حتی کارمندان دولتی که مخالف کشف حجاب بودند موجود است. برای اینکه مقاله به دراز نکشد شما را به مطالعه آن اسناد و منابع سفارش می کنیم.

پیامدهای کشف حجاب

عالمان دین و زن های مسلمانی که در برابر کشف حجاب مقاومت می کردند مخالف حضور زن در عرصه های سیاسی و اجتماعی نبودند. همان گونه که زنان در نهضت تنباکو، مشروطیت و بسیاری از نهضت های دیگر شرکت کردند نه تنها مورد اعتراض علمای دین قرار نگرفتند که تأیید نیز شدند. عالمان دین و همچنین زنان متدین بر این باور بودند که حضور زن در اجتماع باید همراه با حفظ شئون اسلامی انسانی و حفظ شخصیت و کرامت زن باشد. و نیز بر آن بودن که حضور زنان در مراکز علمی، و آموزشی، فرهنگی و بهداشتی و ... نه تنها مفید و سودمند که در برخی از موارد حتی واجب است و همه این کارها نیز می تواند با حفظ حجاب و عفاف انجام گیرد. ولی در برابر روشنفکران غرب زده و حکومت مزدور پهلوی، حضور زن را در عرصه های اجتماعی الزاما با کشف حجاب همراه می دانستند و پندار آنان این بود که زن عفیف و باحجاب نمی تواند در عرصه های گوناگون حضور مؤثر داشته باشد.

کشف حجاب پیامدهای منفی و زیانبار فراوان داشت؛ از جمله رواج معاشرت های آزاد دختران و پسران، زنان و مردان بود که مفساد جبران ناپذیری را در پی داشت. زن ها به پارتی ها، مجالس رقص و خوشگذرانی و ... کشانده شدند.

کشف حجاب مفساد را گسترده تر و علنی تر ساخت و به گونه ای زشتی آن را از بین برد و شکلی عادی به آن داد. مخبرالسلطنه در باره آثار زیانبار کلاه فرنگی و رفع حجاب می نویسد:

«کلاه اجنبی ملیت را از بین برد و برداشتن چادر، عفت را.»

کشف حجاب پیامدهای منفی و زیانبار فراوان داشت؛ از جمله رواج معاشرت های آزاد دختران و پسران، زنان و مردان بود که مفساد جبران ناپذیری را در پی داشت. زن ها به پارتی ها، مجالس رقص و خوشگذرانی و ... کشانده شدند. کشف حجاب مفساد را گسترده تر و علنی تر ساخت و به گونه ای زشتی آن را از بین برد و شکلی عادی به آن داد.

مخبرالسلطنه سخن رضاشاه را که پس از اعلام کشف حجاب گفت: نصف قوای مملکت بیکار بود و به حساب نمی آمد و اینک داخل جماعت شده است. به نقد گرفته اشاره می کند که خانه دار بودند، به اقتصاد کشور کمک می کردند، به تربیت بچه های خود می پرداختند ولی حالا به عرصه ولنگاری قدم نهادند.

حاکمان برخی از شهرها به بهانه های گوناگون مجلس ترتیب می دادند و از مردم می خواستند که با بانوان خود بدون حجاب در این مراسم شرکت کنند. کارمندان دولت ملزم می شدند که همراه خانم هایشان بدون حجاب در خیابان ها قدم بزنند تا سرمشق دیگران باشند.

روشنفکران غرب زده و حکومت مزدور پهلوی، حضور زن را در عرصه های اجتماعی الزاما با کشف حجاب همراه می دانستند و پندار آنان این بود که زن عفیف و باحجاب نمی تواند در عرصه های گوناگون حضور مؤثر داشته

